

مدیریت بحران جریان نفاق توسط پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه قرآن کریم

احمد رضا طاوسی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱

امیر احمدنژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۶

چکیده

مدیریت بحران به عنوان موضوعی بین رشته‌ای در حوزه‌های مختلف مدیریت سیاسی، اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین رویکرد قرآن کریم به این موضوع، قابل توجه است. مطالعه آیات مدنی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم(ص) در دوران حکومت مدینه، با بحران‌های گوناگونی مواجه بوده است. یکی از پیچیده‌ترین این بحران‌ها، اقدامات مخرب جریان نفاق در برابر پیامبر(ص) است. با توجه به جایگاه خاص پیامبر(ص) در دریافت وحی، واکنش‌های ایشان در برابر منافقان می‌تواند به عنوان الگویی مطمئن برای مدیریت بحران در جهان اسلام و جامعه بشری مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مدیریت پیامبر(ص) در بحران‌های ایجاد شده توسط منافقان را می‌توان در سه مرحله کلی شامل مدیریت قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران ارزیابی کرد. این پژوهش بر آن است تا بر اساس مطالعه ادبیات موضوع و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مهم‌ترین بخش‌های این مدیریت که شامل بیان روش‌ها و اقدامات تنش‌زای منافقان و واکنش‌های متناسب قرآن همراه با اعلام سیاست‌ها و تدابیر پیامبر(ص) است را بررسی نماید. راهبردهای شش‌گانه به دست آمده در پژوهش حاضر، از دستاوردهای این نوشتار است.

کلیدواژه‌گان: حکومت، تدبیر، آیات مدنی، مدیریت پیامبر(ص)، منافقان.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Tavousi_ar@yahoo.com

tafsirdoca@outlook.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

نویسنده مسئول: امیر احمدنژاد

مقدمه

از جمله مباحث حیاتی و قابل توجه در دولت‌ها و حکومت‌ها، موضوع مدیریت بحران است. زیرا معمولاً تمامی حکومت‌ها همواره با برخی معضلات و موانع داخلی و خارجی گوناگون مواجه می‌باشند. از طرف دیگر اقدامات مخالفان حکومت و موانعی که توسط آنان به وجود می‌آید، حکومت‌ها را بر آن داشته تا بخشی از سیاست‌های خود را به مهار و کنترل این بحران‌ها اختصاص دهند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در دوران رسالت بیست و سه ساله خود با بحران‌های مختلف مواجه بوده‌اند. تا قبل از هجرت به مدینه، بحران اصلی پیامبر (ص) و پیروان ایشان، اقدامات و مخالفت‌های کفار و مشرکان مکه بود. اما پس از هجرت و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، علاوه بر تداوم اقدامات خصمانه مشرکان مکه، دو گروه بحران‌ساز یهودیان و منافقان مدینه نیز مشکلات و موانعی را بر سر راه حکومت نوپای اسلامی به وجود می‌آوردند.

در این راستا فتنه منافقان به مراتب خطرناک‌تر از سایر گروه‌های مخالف و معاند مسلمانان بود. زیرا درصد قابل توجهی از جمعیت مدینه النبی را منافقان تشکیل می‌دادند. از طرف دیگر اگرچه این افراد در ظاهر ادعای مسلمانی کرده و در بین اصحاب پیامبر (ص) بودند، اما در باطن و در خفا، ایمان راستین در آن‌ها نهادینه نشده بود و حتی برای نابودی اسلام و حکومت اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نداشتند. می‌توان گفت منافقان خطرناک‌ترین و سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر (ص) بوده و در طول دوران حکومت پیامبر (ص) در مدینه، همواره منشأ تنش و التهاب در جامعه اسلامی بودند. لذا پیامبر (ص) همواره نگران آنان بوده و مسلمانان را نسبت به انگیزه‌ها و شگردهای خطرناک منافقان آگاه می‌کرد.

منافقان جریانی سیاسی اجتماعی بودند که ایمان حقیقی نداشتند. معروف‌ترین چهره نفاق در عهد پیامبر (ص)، عبدالله بن ابی‌سلول (ابوحباب) از اشراف مدینه بود. قبل از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، بنا بر توافق دو قبیله اوس و خزرج و برای خاتمه دادن به جنگ‌های خونین دو قبیله (معروف به جنگ‌های بعاث)، مقرر شده بود تا عبدالله به عنوان حاکم مدینه انتخاب شود، اما پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، حاکمیت

عبدالله بر شهر مدینه منتفی گردید(عاطف الزین، ۱۳۷۹ش: ۵۲۹). بدین ترتیب عبدالله بن ابی تا سال دوم هجرت ایمان نیاورد، اما پس از جنگ بدر و پیروزی مسلمانان بر سپاه مجهز مشرکان مکه و تثبیت حاکمیت پیامبر(ص) در مدینه، به ناچار و به صورت ظاهری و منافقانه اسلام آورد.

اگرچه رفتارهای منافقانه عبدالله بن ابی و یارانش از همان ابتدای حکومت پیامبر(ص) و در حوادثی مانند جنگ احد ثبت گردیده، اما نفاق او در سال پنجم هجری و در هنگام بازگشت مسلمانان از نبرد بنی المصطلق، به صورت علنی بروز یافت. در این هنگام با نزول سوره منافقون، دروغ گوئی و چهره واقعی و هویت پنهان عبدالله و یارانش افشا گردید و به عنوان گروهی منافق و دوچهره به جامعه اسلامی معرفی شدند. علی رغم نزول سوره منافقون و آشکار شدن ماهیت درونی منافقان، باز هم آنان متنبه نشده و به اقدامات خصمانه و توطئه علیه مسلمانان ادامه دادند. علاوه بر سوره منافقون، در سایر سوره های مدنی نیز به موضوع منافقان پرداخته شده که بیشترین آیات مربوط به منافقان را می توان در سوره توبه مشاهده کرد که درباره جنگ تبوک نازل شده است.

با این حال پیامبر اکرم(ص) همواره با الهام از وحی الهی و با اخلاق کریمانه خود تا جایی که امکان داشت با صبر و مدارا با آنان برخورد کرد، اما هرگاه اساس حاکمیت اسلام در معرض آسیب و تهدید جدی منافقان قرار می گرفت، عکس العمل ایشان همراه با صراحت و قاطعیت تمام ابراز گردیده است. در مقاله حاضر با توجه به اهمیت این موضوع، شاخص ترین روش های مدیریت بحران قرآن کریم در مقابله با منافقان، در طی سه مرحله مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

پیشینه بحث

درباره منافقان و نقش مخرب آنان در صدر اسلام، کتاب ها و مقالات گوناگونی مانند کتاب «ویژگی های منافقان و مؤمنان در قرآن» (ناصر جهانشاه) و مقالات «رسول خدا(ص) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق» (محمدقدیر دانش)؛ و «مدیریت پیامبر اعظم(ص) در برابر فتنه های منافقین» (حبیب زمانی محبوب) در حوزه های علوم مختلف نوشته شده است. در این منابع بیش تر به معرفی منافقان و ویژگی ها و اقدامات آنان

پرداخته شده و یا به صورت موردی به تحلیل یک یا چند مورد از حوادث مرتبط با آنان اقدام شده که بیانگر وسعت بحران‌های منافقان نیست. در برخی از منابع نیز عکس‌العمل پیامبر اکرم(ص) در برابر منافقان مورد بررسی قرار گرفته است که در این بین مقاله آقای محمدقدیر دانش که تا حدودی به استراتژی پیامبر(ص) در برابر منافقان پرداخته است، قابل توجه می‌باشد. در مقاله حاضر تلاش بر این است تا مدیریت پیامبر اکرم(ص) در برابر بحران‌های منافقان، به استناد آیات قرآن و در قالب مراحل سه‌گانه مدیریت بحران مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم شناسی مدیریت بحران و نفاق

۱- مدیریت: برای مدیریت تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در کوتاه‌ترین و گویاترین تعریف، مدیریت را هنر انجام امور به وسیله دیگران توصیف کرده‌اند که در این تعریف، نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان مورد تأکید قرار گرفته است (الوانی، ۱۳۹۰ش: ۱۱).

۲- بحران: بحران، معادل واژه Crisis در انگلیسی است که از علوم پزشکی وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. در علوم پزشکی وضعیتی را بحرانی گویند که ارگان‌های حیاتی دچار بی‌نظمی شده و به خطر افتاده است. در فرهنگ چینی، بحران به معنی فرصت خطرناک است که ترکیبی از تهدید و فرصت را در بر دارد. در فرهنگ آریان‌پور نیز واژه Crisis تحت عناوینی مانند بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف و سختی و پریشان‌حالی معنا شده است (محمدی سیرت، ۱۳۹۱ش: ۲۶). بحران یکی از مفاهیم پر استعمال است که در ادبیات سیاسی جهان، آشفتگی سیاست بین‌ملتها را نشان می‌دهد (ضمیری و نصیری، ۱۳۸۹ش: ۹۷). بحران را می‌توان در سطوح سه‌گانه فردی، سازمانی و اجتماعی دسته‌بندی کرد که در سطوح سازمان و اجتماع به بحران‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم می‌شود (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۸۸ش: ۴۴ و ۵۵). به طور کلی باید گفت که بحران، مفهومی جدید در حوزه ادبیات مدیریتی و سیاسی است که معادل عینی در قرآن ندارد (محمدی سیرت، ۱۳۹۱ش: ۵۳).

۳- مدیریت بحران: مدیریت بحران از اصطلاحات حوزه مدیریتی است و می‌توان آن را واکنشی به حوادث و بلایای طبیعی و انسان‌ساخت دانست که جهت کاهش اثرات مخرب آن‌ها اعمال می‌گردد(رزقی شیرسوار، ۱۳۸۹ش: ۱۴۵). به طور کلی مدیریت بحران به معنای سوق دادن هدف‌مند جریان پیشرفت امور در اسرع وقت به شرایط قبل از بحران است(محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۰ش: ۴۴).

لازم به ذکر است، نگرش سنتی به مدیریت بحران به گونه‌ای بوده که مدیران بحران در انتظار آن نشسته و پس از بروز بحران و خسارت‌های آن، تلاش می‌کردند تا ضرر و زیان ناشی از بحران را محدود سازند. اما در نگرش جدید، مدیران لازم می‌دانند تا درباره حوادث احتمالی آینده اندیشه کرده و آمادگی برخورد با حوادث پیش‌بینی نشده را به دست آورند(معمارزاده و سرفرازی، ۱۳۸۹ش: ۱۱). به طور کلی مدیریت بحران متشکل از سه فاز کاملاً مجزا شامل قسمت‌های پیش‌بینی و پیش‌گیری، برنامه‌ریزی و آموزش و در نهایت هدایت و کنترل است(معمارزاده و سرفرازی، ۱۳۸۹ش: ۱۸).

نفاق

راغب اصفهانی در تعریف نفاق آورده است: «هو الدخول فی الشرع من باب والخروج من باب»(راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۷۷۱). سید شریف جرجانی نیز نفاق را اینگونه تعریف کرده است: «النفاق اظهار الایمان باللسان و کتمان الکفر بالقلب»(جرجانی، ۱۳۰۶ق: ۱۰۸). واژه منافق بارها در هشت سوره مدنی(نساء، توبه، احزاب، منافقون، انفال، تحریم، حدید و فتح) و یک بار در سوره مکی عنکبوت آمده است.

مراتب نفاق

نفاق و منافقان را با توجه به پیچیدگی هویت آنان و اهداف و انگیزه‌های متفاوتی که دارند، می‌توان در مراتب مختلف دسته‌بندی کرد. بالاترین مرتبه نفاق که مربوط به اصل دین بوده و با کفر یکسان است، نفاق اکبر نامیده می‌شود. پائین‌ترین مرتبه نفاق نیز معنایی نزدیک به فسق دارد که نفاق اصغر نامیده می‌شود. در نفاق اصغر، افراد به احکام

اسلام اعتراف دارند اما التزام عملی به آن ندارند. سایر گروه‌های نفاق نیز در حالت بینابین این دو گروه دسته‌بندی می‌شوند (دانش، ۱۳۸۷ش: ۱۴).

بررسی مدیریت بحران از نگاه قرآن کریم

در بین گروه‌های مخالف با مسلمانان در صدر اسلام، برخورد با منافقان از حساسیت و پیچیدگی بیش‌تری برخوردار بوده است. زیرا در مقابله با اقدامات ریاکارانه آن‌ها، پیامبر(ص) نمی‌توانست با قاطعیت برخورد نماید. از طرف دیگر، بی‌تفاوتی نسبت به نقش مخرب آن‌ها می‌توانست خسارات گسترده‌ای را در پی داشته باشد. به همین جهت سیاست کلان پیامبر(ص) در مقابل آن‌ها، حتی المقدور بر اساس صبر و مدارا بوده است. در این راستا خداوند حکیم نیز همواره از پیامبر خود حمایت نموده و با نزول آیات وحی و ارائه راهکارهای مختلف در مقابله با منافقان، پیامبر(ص) را یاری داده است.

در رابطه با مدیریت بحران و مراحل آن، نظرات و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است. برخی نظریه‌پردازان بر اساس عامل زمان، بحران را در سه مرحله تفکیک کرده و تحت عناوین قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران به توضیح آن‌ها پرداخته‌اند. مرحله قبل از بحران (Pre Crisis)، زمانی است که هنوز هیچ اتفاقی رخ نداده اما مدیران آگاه با آمادگی و پیش‌بینی‌های لازم در صددند تا آمادگی‌های لازم را جهت مقابله با بحران‌های احتمالی در جامعه تحت مدیریت خود ایجاد نمایند. مرحله دوم و حین بحران (Crisis)، زمانی را گویند که بحران بروز و ظهور یافته و مدیریت لازم و جامع، جهت حل بحران اعمال می‌گردد. سومین مرحله تحت عنوان پس از بحران (Post Crisis)، به شرائطی اطلاق می‌شود که بحران و شرائط غیر عادی خاتمه یافته و مدیران جامعه به ارزیابی اقدامات و پیامدهای بحران پرداخته و به بازنگری و اصلاح برنامه‌های خود مبادرت می‌کنند (وردی نژاد و بهرامی آشتیانی، ۱۳۸۸ش: ۴۴).

در تقسیم‌بندی دیگری بحران و مدیریت بحران در چهار مرحله تقسیم‌بندی شده است. این تقسیم‌بندی تحت عنوان چرخه مدیریت بحران شامل مراحل پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی می‌باشد (ماهرالنقش، ۱۳۹۲ش: ۸). در این نوشتار با توجه به مشهور بودن مراحل سه‌گانه بحران، مدیریت پیامبر اکرم(ص) در دوران حکومت

مدینه و در مقابله با منافقان، بر مبنای مراحل سه‌گانه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. مدیریت پیامبر اکرم(ص) در مقابله با منافقان که در واقع مدیریت بحران توسط خداست، در سه مرحله و هفت قسمت به ترتیب ذیل دسته‌بندی شده است.

مرحله اول: مدیریت قبل از بحران

قبل از بحران، مرحله پیشگیری و آمادگی نیز نامیده می‌شود. در این مرحله که هنوز هیچ اتفاقی روی نداده است، از یک طرف تلاش بر این می‌باشد تا از وقوع حوادث بحرانی و زیان بار جلوگیری شود. از طرف دیگر، مدیران جامعه با ایجاد آمادگی و اتخاذ تدابیر و انجام اقدامات لازم، توانائی‌های جامعه را افزایش داده تا در صورت بروز بحران، مشارکت عمومی در رفع بحران را افزایش دهند. در این راستا مدیریت بحران قرآن در برابر منافقان را می‌توان در دو قسمت بررسی نمود.

الف. بیان ویژگی‌ها و صفات آشکار منافقان

در اولین گام از مدیریت بحران در مقابله با منافقان، خداوند در صدد بر آمده تا با نزول آیات مربوط به صفات و ویژگی‌های آشکار منافقان، مردم را نسبت به شناسائی ظاهری افراد منافق و دو چهره آگاه نماید. از طرف دیگر به مردم هشدار می‌دهد تا مبادا به این صفات ناپسند آلوده گشته و در شمار آنان قرار گیرند. این ویژگی‌ها در آیات مختلف قرآن و به مناسبت‌های گوناگون برای مردم بیان شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- منافقان در باورها و اعتقاداتشان دچار تزلزل و تردید و دو دلی می‌باشند و هنوز ایمان نیاورده‌اند(نساء/ ۱۴۳).
- ۲- بهانه‌جوئی و عذرخواهی مکرر در توجیه خطاها، تا مسلمانان را از خود راضی نگه دارند(توبه/ ۶۴، ۹۴، ۶۵).
- ۳- ریاکاری و تظاهر از روی غرور و خودنمائی در جامعه به منظور فریب دادن مسلمانان، ویژگی آن‌هاست.(انفال/ ۴۷، نساء/ ۱۴۲)

۴- در هنگام فساد در جامعه، ادعای اصلاح دارند تا اقدامات خود را توجیه نمایند (بقره / ۱۱).

۵- منافقان با برخورد دوگانه و منافقانه تلاش می‌کنند تا جایگاه خود را نزد دو گروه مسلمانان و مخالفان آنها حفظ نمایند (بقره / ۱۴، توبه / ۵۰).

۶- سخن چینی، جاسوسی، شایعه‌سازی جهت ترساندن مؤمنان و ایجاد تفرقه و یزگی دیگر آنهاست (توبه / ۴۷).

در بیان موارد اشاره شده در ذیل این عنوان، آیه ۴۷ سوره توبه شایسته عنایت ویژه‌ای است.

در این آیه خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا تُصْعِقُوا إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بِكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (توبه / ۴۷)

«اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی‌افزودند و به سرعت خود را میان شما انداخته و در حق شما فتنه‌جویی کرده و در میان شما جاسوسانی دارند که به نفع آنان اقدام می‌کنند و خدا به حال ستمکاران داناست»

این آیه درباره امتناع منافقان از حضور در جنگ تبوک است که خداوند نیز از حضور آنان در جنگ اکراه داشته است. طبرسی در «مجمع البیان» راز جلوگیری خداوند از حضور منافقان در جهاد را در این می‌داند که حضور آنان باعث تباهی و تردید در بین مجاهدان می‌شد. او نظرات مجاهد و ابن زید را در باره سماعون را آورده که معتقدند منافقان در بین سپاه مسلمانان جاسوسانی داشتند که اطلاعات نظامی آنان را در اختیار دشمنان قرار می‌دادند. همچنین به نظرات قتاده و ابن اسحاق استناد نموده و مراد از سماعون را افراد زودباور و سست عقیده‌ای می‌داند که گفتار و شایعات دشمن را باور کرده و به تردیدهای دشمنان بها می‌دهند (طبرسی، ۱۳۸۰ ش، جلد ۵: ۶۱۸).

علامه طباطبایی نیز خبال را به معنای فساد و اضطراب دانسته و درباره ﴿يَغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ﴾ توضیح داده که منافقان خواهان فتنه برای شما بوده و سماع نیز به معنی کسی است که هر حرفی را زود می‌پذیرد و باور می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۹:

۴۵۰). در تفسیر «المنار» درباره ﴿لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا﴾ آمده است: «این دقت سخنان پیامبر خطاب به مؤمنان همراه ایشان را می‌رساند که می‌فرماید: منافقانی که درخواست ترک جهاد را دارند، اگر در بین شما مؤمنان برای جنگ خارج شوند، به جز شر و فساد چیزی به شما اضافه نمی‌کنند. آن‌ها باعث سست شدن رأی شما گردیده و عمل شما را فاسد کرده و در جنگ و جهاد شما را تضعیف می‌کنند و سبب بی‌نظمی و اختلال در سپاه مؤمنان خواهند بود» (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۴۷۲).

ب. بیان ماهیت درونی و ویژگی‌های پنهان منافقان

دومین اقدام قرآن در مقابله با منافقان که مکمل قسمت اول می‌باشد، افشاگری در خصوص ماهیت درونی و ویژگی‌ها و انگیزه‌های پنهان آن‌هاست. ویژگی‌هایی که مردم قادر به درک آن‌ها نبوده و فقط خداوند حکیم از آن‌ها اطلاع دارد. لذا علی‌رغم پرده‌پوشی خداوند بر افکار و نیت‌بندگانش، در برخی مواقع و بنا به حکمت الهی، برخی از ابعاد هویت پنهان منافقان در قالب آیات وحی افشا گردیده تا مردم نسبت به افکار، نیت و انگیزه‌های خطرناک و مخفیانه آنان هوشیاری لازم را به دست آورند. مهم‌ترین ویژگی‌های پنهان منافقان عبارت‌اند از:

۱. منافقان خدا را فراموش کرده‌اند و خداوند نیز به کیفر این گناه، آنان را فراموش کرده است (توبه/ ۶۷، مجادله/ ۱۹).
۲. منافقانی که هنگام دعوت به شرکت در جنگ احد، به بهانه‌های مختلف از آن سر باز زدند، به کفر نزدیک‌تر از اسلام هستند (آل عمران/ ۱۶۷، توبه/ ۹۶).
۳. افراد منافق به علت عدم فهم و درک صحیح، به جای ترس از خداوند، از مردم هراس دارند (حشر/ ۱۳، توبه/ ۵۷).
۴. منافقان همواره درصدد مکر و حيله و نیرنگ با خدا و مؤمنان می‌باشند، در حالی که به تعبیر قرآن به خودشان نیرنگ می‌زنند اما نمی‌فهمند (بقره/ ۹، نساء/ ۱۴۲).
۵. قلوب آنان بیمار است و به نفاق عادت کرده‌اند و خداوند نیز بر مرض آنان می‌افزاید (بقره/ ۱۰، انفال/ ۴۹، توبه/ ۱۰۱).
۶. همواره به زبان مسلمانان انتظار می‌کشند (نساء/ ۱۴۱).

منافقان افرادی فرصت طلباند که همواره در صدد بهره‌مندی از حوادث مختلف می‌باشند. به گونه‌ای که اگر مسلمانان به پیروزی رسیدند خود را شریک آنان دانسته و درخواست سهم دارند و اگر کفار هم به منافی رسیدند، از آنان نیز سهم خواهی می‌کنند. در این رابطه خداوند در سوره نساء به فرصت‌طلبی منافقان اشاره نموده و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِنْ اللَّهِ قَالَوا لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالَوا لَمْ نَسْتَحِوْا عَلَيْكُمْ وَنَمَتْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۱۴۱)

«همانان که مترصد شمایند پس اگر از جانب خدا به شما فتحی برسد می‌گویند مگر ما با شما نبودیم و اگر برای کافران نصیبی باشد می‌گویند مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از ورود در جمع مؤمنان باز نمی‌داشتیم پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه تسلطی قرار نداده است»

کلمه "تربص" به معنای انتظار و کلمه "استحواذ" به معنای غلبه و تسلط می‌باشد که وصف دیگری برای منافقان است. زیرا آنان رابطه خود با مؤمنان و کافران را حفظ نموده و از هر دو گروه بهره‌برداری می‌کنند. در این آیه پیروزی مؤمنان به خدا نسبت داده شده اما برای کافران کلمه "نصیب" به کار رفته است. زیرا چیرگی مؤمنان در جنگ، پیروزی حقیقی و از طرف خداست، اما کامیابی کافران در جنگ بهره‌ای اندک و گذراست (رازی، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ۴۵؛ طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۵: ۱۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ج ۲۱: ۱۷۴).

۷. ایمان آن‌ها دروغین و زبانی است. منافقان افرادی هستند که از سر ناچاری و به منظور حفظ ظاهر و نفوذ در بین مسلمانان و کسب منافع مادی، اظهار ایمان کرده‌اند (بقره / ۸، آل عمران / ۱۶۷، نور / ۴۷).

در آیات مختلف قرآن کریم به این صفت منافقان اشاره شده و به مؤمنان آگاهی می‌دهد که ایمان افراد منافق واقعی و حقیقی نبوده و نباید فریب ادعاهای دروغین و ایمان زبانی آنان را بخورند. خداوند در آیه ۴۷ سوره نور به واقعی نبودن ایمان منافقان تصریح نموده و می‌فرماید:

﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور / ۴۷)

«و می گویند به خدا و پیامبر(ص) او گرویدیم و اطاعت کردیم آنگاه دسته‌ای از ایشان پس از این اقرار روی برمی گردانند و آنان مؤمن نیستند»

از نظر طبرسی این آیه درباره اختلاف یکی از منافقان با فردی یهودی نازل شده است. زیرا فرد یهودی می‌خواست برای داوری و حل اختلاف نزد پیامبر(ص) بروند، اما نظر مرد منافق این بود که نزد کعب بن اشرف بروند. برخی دیگر این آیه را درباره زمین خریداری شده عثمان از امام علی(ع) می‌دانند که مورد اختلاف آن‌ها بود(طبرسی، ۱۳۸۰ش، جلد ۱۸: ۶۷۲). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، اطاعت خدا و رسول را ملازم هم دانسته و می‌نویسد: این آیه شریفه، حال بعضی از منافقان را بیان می‌کند که به ظاهر دم از ایمان و اطاعت می‌زدند ولی دوباره به کفر اول خود بازگشتند(طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۵: ۱۴۵).

مرحله دوم: مدیریت حین بحران

در این مرحله، علی‌رغم تمامی اقدامات پیشگیرانه، بحران به منصفه ظهور و بروز می‌رسد. بنابراین مدیران جامعه در صدد بر می‌آیند تا با ارائه برنامه‌ای جامع و مدون، به مقابله با بحران اقدام نموده تا آن را به کنترل درآورده و یا تبعات منفی بحران را در حد امکان کاهش دهند. اقدامات قرآن در برخورد با منافقان در مرحله حین بحران را می‌توان در دو مورد دسته‌بندی کرد:

الف. بیان اقدامات، روش‌ها و شگردهای منافقان در برابر مسلمانان

پس از بیان ویژگی‌های ظاهری و ماهیت درونی و پنهان منافقان، در سومین قسمت از مدیریت بحران که به نوعی می‌توان مرحله شروع و آغاز بحران نامید، قرآن کریم به بیان شگردها، سیاست‌ها و روش‌های آنان در برابر مسلمانان پرداخته و مسلمانان را نسبت به این اقدامات هوشیار می‌سازد. شایان ذکر است روشنگری قرآن درباره شگردهای منافقان بسیار ظریف، دقیق و روان‌شناسانه است. به گونه‌ای که مسلمانان با

دقت و تأمل در آن‌ها به بصیرت و آگاهی بالائی رسیده و در هنگام ضرورت می‌توانند به سرعت و سهولت در مقابل منافقان موضع‌گیری کرده و نقشه‌های آنان را عقیم گذارند. مهم‌ترین شگردهای منافقان که قرآن کریم به آن‌ها اشاره کرده عبارت‌اند از:

۱. منافقان جهت رضایت پیامبر(ص) و مؤمنان به سوگند دروغ متوسل می‌شوند (نساء/ ۶۲، توبه/ ۶۲ و ۹۶، نور/ ۵۳، مجادله/ ۱۶).

۲. اهانت به خدا و پیامبر(ص) و آزار رسول خدا به اشکال مختلف، از دیگر اقدامات منافقان برای تضعیف مسلمانان است (احزاب/ ۱۲ و ۵۳).

۳. ارتباط و دوستی با دشمنان اسلام (کفار و یهود) از جمله سیاست‌های منافقان است که خداوند در این خصوص به آنان هشدار می‌دهد (نساء/ ۱۳۹، مجادله/ ۱۴).

۴. منافقان از حکم خدا و رسول روی گردان بوده و علی‌رغم دستور خداوند به نفی طاغوت، در قضاوت‌ها به آنان مراجعه می‌کنند (نساء/ ۶۰، نور/ ۴۸).

۵. اقدام دیگر منافقان، وعده‌های دروغین به دشمنان اسلام است تا آنان را بر علیه پیامبر اکرم(ص) بشورانند (حشر/ ۱۱ و ۱۲).

۶. بهانه‌جویی جهت ترک جهاد از شگردهای منافقین در موقع جنگ‌هاست که نشانه عدم ایمان واقعی آن‌هاست (آل عمران/ ۱۶۷، توبه/ ۴۵ و ۴۹).

۷. منافقان به منظور افشاء اطلاعات سپاه مسلمانان برای دشمنان، اقدام به جاسوسی می‌کردند که مورد هشدار خداوند قرار گرفته‌اند (توبه/ ۴۷).

۸. جنگ روانی و شایعه‌سازی علیه مسلمانان تا مسلمانان را بترسانند و تضعیف نمایند (آل عمران/ ۱۷۳، نساء/ ۸۳، احزاب/ ۱۲ و ۱۳ و ۶۰).

منافقان در هنگام جنگ با شایعه‌سازی، انتشار اخبار دروغین و بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، باعث ایجاد اضطراب و نگرانی در بین مسلمانان می‌شدند. به گونه‌ای که در جنگ خندق، مسلمانان را از نیروهای سپاه احزاب ترسانده و به آن‌ها می‌گفتند شما تاب مقاومت در برابر سپاه انبوه و مجهز دشمن را ندارید و بهتر است صحنه نبرد را ترک کرده و به خانه‌های خود برگردید. از طرف دیگر خودشان نیز به بهانه اینکه منازلشان امنیت و حفاظ لازم را ندارد، از پیامبر اجازه می‌خواستند تا میدان جنگ را ترک کرده و

به خانه‌های خود در مدینه برگردند. در حالی که به گفته قرآن کریم آن‌ها دروغ می‌گفتند و منازلشان بی‌حفاظ نبود.

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران / ۱۷۳)

«همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند پس از آن بترسید و آلی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است»

در تفسیر تسنیم در توضیح آیات ۱۷۳ و ۱۷۴ آل عمران آمده است: این آیات نیز مدح مؤمنان مجاهدی است که با وجود جراحات‌های جنگ احد و فشارهای روحی، بی‌درنگ دعوت خدا و رسول او را پس از آن نبرد اجابت کردند و با توکل بر خدا و عزمی راسخ به تعقیب دشمن همت گماشتند. نعیم بن مسعود / شجعی از سوی مشرکان، مأمور ترساندن و متزلزل کردن مؤمنان بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ش: ۳۳۵).

طبرسی معتقد است که این آیه مربوط به پس از جنگ احد است که / بوسفیان در صدد بر آمد تا دوباره برگردد و پیامبر(ص) را از بین ببرد. اما علی‌رغم جوسازی نعیم بن مسعود در ترساندن مؤمنان از سپاه قریش، باز هم پیامبر(ص) جهت ایجاد هراس در مشرکان، به همراه سپاهیان خود به تعقیب مشرکان پرداخت و باعث شد تا مشرکان از هجوم دوباره به مسلمانان منصرف شده و عقب‌نشینی کنند (طبرسی، ۱۳۸۰، ش: ۲، جلد ۲: ۶۲۲).

ب. ابلاغ دستورات، سیاست‌ها و اقدامات عملی لازم به پیامبر اکرم(ص) در مقابله با اقدامات منافقان

علی‌رغم تمامی اقدامات پیشگیرانه قرآن کریم جهت ممانعت از بحران‌سازی‌های منافقین، آیات قرآن و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که منافقان از ابتدای تشکیل حکومت پیامبر(ص) در مدینه النبیه اقدام به ایجاد بحران نموده و حتی در مواردی آن را گسترش داده‌اند. این بحران‌ها به اشکال مختلف بروز نموده و تا آخرین سال‌های حیات پیامبر اکرم(ص) تداوم داشته است. بنابراین با توجه به تبعات بحران‌های ایجاد شده به

وسیله منافقان، خداوند نیز دستورات و ساز و کارهای لازم جهت مقابله با این بحران‌ها را در قالب آیات وحی به پیامبر(ص) خود ابلاغ نموده تا آثار و تبعات آن در حد امکان کاهش یابد.

بنابراین چهارمین گام مدیریت بحران قرآن در برابر منافقان هنگامی است که بحران آغاز شده و روند آن گسترش یافته است. در این مرحله پیامبر اکرم(ص) مأموریت دارد که با قاطعیت تمام با منافقان مقابله نموده و تا فروپاشی هسته نفاق و عوامل بحران‌زا، آنان را سرکوب نماید. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از:

۱. پرهیز دادن مؤمنان از مجالست با منافقانی که آیات خدا را به تمسخر می‌گیرند تا از تداوم آن جلوگیری شود(انعام/ ۶۸، نساء/ ۱۴۰).

۲. اعلام خشم و غضب الهی بر منافقان و گمراهی آنان توسط خداوند، به گونه‌ای که راهی برای هدایت پیدا نخواهند کرد(نساء/ ۸۸ و ۱۴۲، احزاب/ ۱۹).

۳. قرآن به تمسخر و تبلیغات زهرآگین منافقان بر علیه پیامبر اکرم پیامبر(ص) پاسخ داده و دلیل مدارای پیامبر با آنان را بیان می‌کند(توبه/ ۶۱).

۴. خداوند منافقان را حزب شیطان معرفی کرده و آنان را مورد لعن قرار می‌دهد(توبه/ ۶۸، محمد/ ۲۳، مجادله/ ۱۹).

۵. اعلام عدم بخشش منافقان، حتی اگر پیامبر(ص) بر آنان استغفار کند(توبه/ ۸۰ و ۹۶، منافقین/ ۶).

۶. قرآن کریم پس از هشدارهای مختلف به منافقان، دستور مقاتله بر علیه آنان را صادر می‌کند(احزاب/ ۶۰ و ۶۱).

۷. علاوه بر دستور به مقاتله با منافقان، پیامبر(ص) مأمور به سخت‌گیری بر آنها نیز می‌شود(توبه/ ۷۳، نساء/ ۸۹ و ۹۱، تحریم/ ۹، احزاب/ ۶۱).

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (توبه/

۷۳)

«ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرانجامی است»

لازم به ذکر است با توجه به آشکار بودن کفر مشرکان و کفار، چگونگی برخورد با آنها پیچیدگی زیادی ندارد و مبارزه با آنان به راحتی امکانپذیر است. اما برخورد با منافقان از پیچیدگی خاصی برخوردار است. حساسیت برخورد با منافقان در این است که اگرچه خطر آنان به مراتب بیش از کفار است، لیکن در برخورد با آنها نمی‌توان به راحتی دستور جهاد صادر کرد. زیرا افراد منافق در بین صفوف مسلمانان حضور دارند و برخورد با آنان بازتاب‌های مختلفی را در پی خواهد داشت. به همین دلیل مبارزه قرآن با این افراد، با احتیاط و به صورت گام به گام می‌باشد.

بدین ترتیب با توجه به شرایط موجود و نوع تهدیدات منافقان، گاهی اوقات پیامبر اسلام(ص) دستور به طرد و تحریم آنان داده و زمانی دیگر مورد نصیحتشان قرار داده است. گاهی بر علیه اقدامات و افکارشان افشاگری نموده و در شرایطی دیگر آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد. در نهایت نیز هرگاه خطر منافقان بالا بوده، بنا بر ضرورت و به عنوان آخرین راه حل، خداوند فرمان جهاد و مقاتله بر علیه آنان را صادر کرده است. نکته قابل توجه اینکه در آموزه‌های سیاسی اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام، دو واژه اسلام و صلح از اهمیت زیادی برخوردار است(اسدی، ۱۳۹۴ش: ۱۱۲).

بنابراین در قرآن کریم، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان یکی از اصول مهم حاکم بین پیامبر اکرم(ص) و پیروان ایشان و حتی سایرین مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است که در آیات مختلف قرآن، جهاد با کفار و منافقان در کنار هم و به صورت هم‌زمان آمده است تا هشدار برای مسلمانان باشد و آنان را متوجه بزرگ بودن خطر منافقان نماید. با این حال و علی‌رغم ضرورت سختگیری بر منافقان و دستور مقاتله با آنان، باز هم خداوند از لطف و مهربانی خود بر آنها دریغ نکرده و جهاد با منافقان را در مواردی استثنا می‌کند. به گونه‌ای که مقاتله با منافقانی که با مسلمانان پیمان داشته و یا به آنان پناهنده شده‌اند را مستثنی می‌کند.

بنابراین با توجه به اقدامات پیشگیرانه قرآن، هیچ‌گاه قتال با منافقان به معنای واقعی و به صورت عملیاتی اتفاق نیفتاده که نشانه تأثیرگذاری اقدامات قرآن کریم و اهمیت تدابیر الهی در مقابله با منافقان می‌باشد.

در مورد بکار بردن واژه جهاد در برابر منافقان، نظرات مختلف است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «جهاد و مجاهدت» به معنای سعی و بذل نهایت درجه کوشش در مقاومت است - چه به زبان باشد و چه به دست - تا آنجا که منتهی به کارزار شود. و لیکن در قرآن کریم بیش‌تر در معنای کارزار استعمال شده، هرچند در غیر قتال نیز استعمال شده... و اما منافقین هرچند در واقع کافر و حتی از کفار هم خطرناک‌ترند، چون از راه کید و مکر وارد شده و کارشکنی می‌کنند، لیکن آیات جهاد ایشان را شامل نمی‌شود... و لذا چه بسا با استعمال جهاد در خصوص منافقان، این معنا به ذهن برسد که منظور از آن هر رفتاری است که مطابق مقتضای مصلحت باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۶ ش، ج ۹: ۵۳۱). آیه الله جوادی آملی در خصوص جهاد با منافقان معتقد است: «جهاد به معنای مبارزه مسلحانه، منافقان را که به ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند، فرا نمی‌گیرد، مگر آنکه کفر باطنی‌شان را آشکار سازند که در این حال جهاد با آنها همانند جهاد با کافران است. منافقان یاد شده در آیه مورد بحث، به شهادت آیه پسین از این قسم‌اند، پس حکم جهاد برای کافران و منافقان هر دو است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ج ۳۴: ۵۲۹). ایشان در ادامه توضیح می‌دهد که راز امر به غلظت و سختگیری بر منافقان آن است که آنان همواره خیانت‌ها و تبهکاری‌های خود را توجیه و سخن کفرآمیزشان را با سوگند دروغ انکار می‌کنند. در حالی که کلمه کفر را بر زبان آوردند و پس از اسلام آوردن ظاهری، کافر و مرتد شدند و کفر درونی‌شان را آشکار ساختند و برای براندازی نظام اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکردند و حتی برای ترور پیامبر (ص) نقشه کشیدند...» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ج ۳۴: ۵۴۷).

مرحله سوم: مدیریت پس از بحران

در مرحله پس از بحران که پایان شرائط حاد و غیر عادی قلمداد می‌شود، مدیران بحران در صدد بررسی و ارزیابی پیامدهای بحران برمی‌آیند. آنها با انجام اقدامات لازم و ضروری تلاش می‌کنند تا با ایجاد آرامش، جامعه آسیب دیده را به وضعیت عادی برگردانده و شرائط روحی، روانی و اجتماعی جامعه بحران زده را ترمیم نمایند. مرحله سوم مدیریت بحران شامل سه قسمت بوده و عبارت‌اند از:

الف. بازسازی جامعه و بازگرداندن جامعه به شرائط قبل از بحران.

گام پنجم از مدیریت بحران پیامبر(ص) در برابر منافقان، مربوط به پس از بحران است. در این مرحله که بحران به کنترل درآمده و عوامل بحران سرکوب گردیده، پیامبر اکرم(ص) با انجام برخی اقدامات مبتنی بر وحی الهی، در صدد بازسازی جامعه و بازگرداندن آن به وضعیت عادی قبل از بحران می‌باشد که پاره‌ای از مهم‌ترین اقدامات ایشان عبارتند از:

۱. هشدار به مؤمنان در باره عدم دوستی با منافقان، مگر زمانی که آنان نیز در راه خدا هجرت کنند(نساء / ۸۹).
 ۲. سرزنش منافقان ثروتمند و متخلف در جنگ و عدم پذیرش انفاق از آن‌ها، به علت اینکه افرادی فاسق‌اند(توبه / ۵۳ و ۸۶).
 - ۳- تنبیه متخلفان در جنگ تبوک، به گونه‌ای که دیگر اجازه جهاد به همراه پیامبر(ص) را ندارند و پیامبر(ص) نیز از خواندن نماز بر جنازه آنان نهی می‌شود(توبه / ۸۲ تا ۸۴).
 ۴. پاسخ قرآن به تبلیغات منفی منافقان در هنگام شکست مسلمانان در جنگ، تا آرامش لازم به سپاه مسلمانان داده شود(آل عمران / ۱۵۶ تا ۱۵۸ و ۱۶۶ تا ۱۶۷).
 ۵. افشاء چهره منافقین داخلی و خارجی و آگاهی بخشی به مؤمنان، تا فریب منافقان را نخورند(توبه / ۱۰۱).
 ۶. عدم پذیرش عذر متخلفان جنگ تبوک و طرد آنان تا وقتی که خداوند توبه آنان را پذیرفت(توبه / ۹۴، ۹۵ و ۱۰۶).
 ۷. هشدار به منافقان جهت عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان تا مبادا به سرنوشت آنان دچار شده و گرفتار عذاب الهی شوند(توبه / ۶۹ و ۷۰).
- از جمله تدابیر قرآن در هشدار به مردم، عبرت‌گیری از سرنوشت اقوام و ادیان گذشته است. بنابراین به منافقان هشدار داده و توصیه می‌کند به مطالعه تاریخ گذشتگان خود پرداخته و از سرنوشت آن‌ها عبرت گیرند. به همین علت خداوند آنان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

﴿كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثُرَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَئِكَ دَافَسَتْهُمْ تَعْوَابُهُمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (توبه / ۶۹)

«حال شما منافقان! چون کسانی است که پیش از شما بودند آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیش‌تر بودند پس از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید همانگونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند و شما [در باطل] فرو رفتید همانگونه که آنان فرو رفتند آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند»

ب. بازتوانی و ترمیم قوای روحی و روانی جامعه آسیب دیده و تقویت آرامش

مرحله بازتوانی را می‌توان مکمل مرحله بازسازی دانست (ماهر النقش، ۱۳۹۲ش: ۹). بازتوانی به مجموعه‌ای از اقدامات پس از کنترل بحران اطلاق می‌شود که جهت ترمیم شرائط روحی، روانی و اجتماعی جامعه آسیب دیده از بحران اعمال می‌گردد. در این مرحله پیامبر(ص) با بیان لطف و رحمت الهی بر مومنان، وعده پیروزی نهایی آنان بر سایر ادیان را می‌دهد. از طرف دیگر با رفتار کریمانه و در عین حال تنبیه‌آمیز خود، با افراد متخلف و نادم برخورد نموده تا ضمن تنبیه آن‌ها و عبرت‌گیری دیگران، آرامش لازم را به جامعه بازگرداند. برخی از مهم‌ترین این اقدامات عبارت‌اند از:

۱. هشدار به مؤمنان در عدم پیروی از منافقان تا مبادا آنان را دوباره به شرک بازگردانند(آل عمران/ ۱۵۶، ۱۴۹ و منافقون/ ۴).

۲. ایمان منافقان را مشروط به پذیرش قضاوت پیامبر در نزاع‌ها اعلام می‌کند(نساء/ ۶۵).

۳. بشارت و امید دادن به پیامبر(ص) و مؤمنان جهت مقابله با اقدامات منافقان و

اینکه تمام حوادث عالم به اراده و مشیت خداوند می‌باشد(آل عمران/ ۱۷۹، توبه/ ۵۱).

با توجه به پیچیدگی رفتاری منافقان، در برخی از آیات قرآن برای روحیه دادن به مسلمانان و رفع شبهه آنان در ضرورت برخورد با منافقان، راهکارهایی ارائه شده تا ضمن پاسخگویی به تبلیغات مسموم منافقان، آرامش روحی و اطمینان قلبی مؤمنان در مقابله

با منافقان افزایش یابد. علاوه بر این به مؤمنان یادآور می‌شود که تمامی این حوادث تلخ و شیرین برای آزمودن مومنان واقعی و جدا کردن صفوف مؤمنان از منافقان می‌باشد تا آنان را در مقابل حوادث ناگوار و فتنه‌های مختلف مقاوم گرداند. بنابراین خداوند پس از بیان خوشحالی منافقان از شکست مسلمین و ناراحتی آن‌ها از پیروزی مسلمین در آیه ۵۰ توبه ﴿...إِنْ تَصَبَّكَ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تَصَبَّكَ مُصِيبَةً يَقُولُوا...﴾، در دو آیه بعدی اینگونه به آنان پاسخ داده است:

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَّا لِأَحَدِي الْحُسَيْنِيِّينَ وَنَحْنُ نَرْتَضُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرْتَضُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرْتَضُونَ﴾

«بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم»

علامه طباطبایی درباره پاسخ خداوند به منافقان می‌نویسد: «خدای تعالی از این گفتار این‌ها در دو آیه ﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا...﴾ و آیه ﴿قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا...﴾ دو جواب به ایشان داده است. حاصل این جواب این است که: ولایت و اختیار امور ما تنها به دست خداست- این انحصار از جمله "هُوَ مَوْلَانَا" استفاده می‌شود... و معنای آیه این است که: ما و شما هر یک منتظر عذاب و گرفتاری طرف مقابل خود هستیم، با تفاوت اینکه آن عذاب و گرفتاری که شما برای ما آن را آرزو می‌کنید در حقیقت خیر ماست، زیرا شما در باره ما انتظار یکی از دو احتمال را می‌کشید، یا غلبه بر دشمن و مراجعت با غنیمت و یا کشته شدن در راه خدا. ولی ما برای شما انتظار عذاب خدا را می‌کشیم...» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۴۷۹).

۴. وعده الهی به جانشینی مؤمنان در زمین و پیروزی آنان بر سایر ادیان، از سنت‌های قطعی الهی معرفی می‌شود (نور/۵۵، مجادله/۲۱):

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (نور/۵۵)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد...»

یکی از شیوه‌های قرآن جهت روحیه دادن به موحدان جهت تحمل سختی‌ها و مصائب، وعده‌هایی است که خداوند به صراحت به آنان می‌دهد. وعده‌هایی که به مؤمنان بشارت می‌دهد که مطمئن باشند سنت الهی همواره بر این بوده که در نهایت خداوند و پیامبرانش پیروز میدان در عالم هستی بوده و خداوند نیرومند و شکست‌ناپذیر است.

در آیه فوق و برخی آیات دیگر قرآن، به مؤمنان اطمینان داده شده که سرانجام آنان را به عنوان جانشین و خلیفه خداوند در روی زمین حاکم خواهد کرد و نظام توحیدی در سراسر کره زمین گسترش خواهد یافت. در تفسیر «جوامع الجامع» در این باره آمده است: «خداوند به مؤمنانی که مطیع فرمان او و پیامبرش هستند وعده داده است که دین اسلام را بر کفر پیروز گرداند و زمین را به ارث آنان درآورد و آن‌ها را در زمین جانشین خود قرار دهد (چنانچه درباره بنی‌اسرائیل همین کار را انجام داد) (طبرسی، ۱۳۶۲ ش: ۱۷۹). این آیه وعده‌ای الهی برای مؤمنانی است که عمل صالح دارند و به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای صالح و مخصوص برای آنان بر پا کرده و زمین را در اختیارشان گذارده و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد. علامه طباطبایی معتقد است که مفسران در این آیه شریفه اختلافاتی شدید دارند. به گونه‌ای که بعضی این آیه را درباره اصحاب پیامبر (ص) تفسیر نموده و مراد از استخلاف را خلفای چهارگانه و یا تنها خلفای سه‌گانه اول بعد از پیامبر (ص) می‌دانند. بعضی دیگر، این آیه را شامل عموم امت اسلام در مدینه دانسته که به پاداش ایمان و فرمانبرداری از خدا و پیامبر (ص)، در سراسر جهان حاکم خواهند شد. گروهی از مفسران نیز، آیه فوق را مربوط به مهدی موعود (عج) می‌دانند که در اخبار متواتر، ظهور ایشان و پر کردن زمین از عدالت را نوید داده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱۸: ۶۸۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۵: ۲۱۳).

ج. دعوت عوامل بحران به توبه و استغفار واقعی

در آخرین و هفتمین مرحله از مدیریت بحران قرآن کریم که فراتر از دسته‌بندی‌ها و نظرات رایج در مدیریت بحران است، باز هم شاهد لطف و رحمت بیکران خداوند بر

بندگان می‌باشیم. به گونه‌ای که علی‌رغم اعلام غضب الهی از اعمال منافقان و دستور به قاطعیت در برخورد با آنان، باز هم در کمال رحمت و شفقت، کسانی که واقعاً از اعمال خود نادم و پشیمان گشته‌اند مورد خطاب قرار گرفته و به آنان اعلام می‌شود که اگر به استغفار و توبه واقعی اقدام نمایند، خداوند را مهربان و بخشنده خواهند یافت. از جمله این موارد در قرآن عبارت‌اند از:

۱. هشدار به منافقان و توصیه آنان به توبه و تأکید بر اینکه توبه برای آنان بهتر است (توبه / ۷۴ و ۱۲۶).

۲. به منافقانی که واقعاً توبه کرده‌اند امید داده می‌شود که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است (نساء / ۶۴، توبه / ۱۰۲، ۷۴ و ۱۱۷).

در آیه ۶۴ سوره توبه، خطاب به کسانی که به خود ظلم کرده و سپس از پیامبر(ص) می‌خواستند که برای آن‌ها از خدا طلب آمرزش کند، آمده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء / ۶۴)

«و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر(ص) نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند»

در قرآن کریم پس از اعلام خشم و غضب خداوند از منافقان، باز هم اعلام می‌شود که رحمت الهی از آنان دریغ نمی‌شود. در برخی آیات، خداوند گروهی از منافقانی که از فرمان خدا و رسولش تمرد کرده ولی بعداً پشیمان شده‌اند را خطاب قرار داده و می‌گوید: «اگر از خدا طلب آمرزش کرده و پیامبر(ص) برای آنان استغفار کند، می‌توانند امیدوار باشند که خداوند توبه آنان را بپذیرد. بنابراین روش تربیتی قرآن به گونه‌ای است که در کنار سیاست‌های سختگیرانه در مقابل توطئه‌های منافقان، باز هم راه توبه را باز گذاشته و حتی آنان را توصیه به توبه می‌نماید. در آیه‌ای دیگر خداوند قسم یاد کرده که پیامبر(ص) و یاران او و حتی بعضی از کسانی که دچار لغزش شده‌اند را مورد رحمت و مغفرت خود قرار خواهد داد.

نتیجه بحث

در دوران مدنی و حکومت ۱۰ ساله پیامبر اکرم(ص)، تهدیدات داخلی و خارجی گوناگونی متوجه جامعه مسلمانان بوده، اما تهدید منافقان داخل حکومت و چگونگی برخورد پیامبر(ص) با آنان از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا منافقان در ظاهر مسلمان، با چهره‌ای دوگانه اقدام به فتنه‌گری کرده و از هیچ اقدامی بر علیه حاکمیت پیامبر(ص) فروگذار نبودند. از این رو، برخورد پیامبر(ص) با ایشان همواره با دقت و درایت خاصی همراه بوده تا پیامدهای منفی آن در جامعه خنثی گردیده و یا به حداقل برسد. خداوند نیز همواره حامی پیامبر(ص) خود بوده و در مراحل مختلف و با نزول آیات مربوطه، راهکارهای مختلف در مقابله با منافقان را ارائه و با آگاهی‌بخشی به امت اسلامی، روش برخورد با جریان‌های نفاق‌گونه را مدیریت کرده است.

اگرچه برخورد پیامبر(ص) با منافقان تا سرحد امکان با مدارا و مسالمت‌آمیز بوده، اما در برخی از حوادث، با افشای اعمال و اهداف آن‌ها، جامعه اسلامی را از تهدیدات منافقان بر حذر داشته و در هنگام ضرورت که اساس نظام اسلامی در معرض خطر جدی قرار گرفته، با قاطعیت تمام با عوامل نفاق مقابله نموده و آنان را در رسیدن به اهدافشان ناکام کرده است.

بنابراین در استراتژی پیامبر اسلام(ص) در مقابله با منافقان که برگرفته از وحی الهی است، همواره دشمن‌شناسی بر دشمن‌ستیزی تقدم داشته است. هدف اصلی این استراتژی بر این بوده که مردم با مراجعه به اندیشه‌های خویش و کسب تجارب مختلف، به بلوغ بالای سیاسی اجتماعی نائل شده و با بینش و بصیرت کامل در برابر اقدامات منافقان موضع‌گیری نمایند. همانگونه که در متن مقاله اشاره گردید، مدیریت بحران قرآن کریم در برابر منافقان در سه مرحله اصلی و هفت مرحله فرعی قابل تفکیک و بررسی است. بنابراین در دوران حکومت اسلامی مدینه، مدیریت پیامبر اکرم(ص) در برابر جریان نفاق به گونه‌ای بوده که اقدامات و توطئه‌های گوناگون منافقان به موقع شناسائی شده و با واکنش‌های لازم و خنثی نمودن اقدامات خصمانه آن‌ها، نظام اسلامی این دوران حساس و پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته است. به همین جهت با توجه به اینکه در طول تاریخ، جریان نفاق و منافقان همواره یکی از معضلات جوامع مختلف بوده

و این موضوع در جوامع اسلامی و به ویژه در دوران معاصر از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده است، راهبردهای بدست آمده از آیات نورانی قرآن کریم در این پژوهش، به ترتیب ذیل قابل توجه و بهره برداری است:

۱. در برخورد با جریان نفاق باید دشمن شناسی بر دشمن ستیزی مقدم باشد.

۲. اولین گام جهت مقابله با منافقان، بیان ماهیت پنهان و ویژگی‌های آشکار آنهاست تا مردم بهتر آنها را شناسایی کنند.

۳. پس از ایجاد بصیرت لازم در جامعه جهت شناخت جریان نفاق، لازم است تا شگردها و روش‌های مختلف منافقان نیز برای مردم بیان شود تا بتوانند به موقع و با آمادگی کامل در مقابل اقدامات و توطئه‌های منافقان موضع‌گیری نمایند.

۴. اگرچه اولویت قرآن کریم در مقابله با جریان نفاق، آگاهی‌بخشی عمومی و منزوی کردن منافقان بوده است، اما هرگاه اساس نظام اسلامی در معرض تهدید جدی قرار گیرد، همانگونه که در سیره پیامبر اکرم(ص) مشاهده می‌کنیم، برخورد با عوامل نفاق باید با قاطعیت و تا فروپاشی هسته نفاق صورت پذیرد.

۵. مهم‌ترین وظیفه مدیران جامعه اسلامی در مرحله پس از بحران، بازسازی جامعه بحران زده است. در این راستا ترمیم قوای روحی و روانی جامعه آسیب دیده، به ویژه در بحران‌های ایجاد شده توسط منافقان، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. زیرا منافقان در بین جامعه اسلامی حضور دارند و تأثیرات و تبعات منفی اقدامات خصمانه آنها در افکار عمومی به مراتب بیش از بحران‌های ایجاد شده توسط معاندان و دشمنان علنی است.

۶. یکی از شگفتی‌های قرآن کریم، موضع‌گیری‌های آن در برابر عوامل بحران‌ساز جریان نفاق است. زیرا خداوند علی‌رغم دستور به قاطعیت در برخورد با آنها، به منافقانی که به راستی از اعمال خود نادم و پشیمان شده‌اند اعلام می‌کند که اگر درخواست توبه و استغفار نمایند، خداوند توبه آنان را می‌پذیرد. این برخورد کریمانه قرآن در برابر منافقان بحران‌ساز که هزینه‌های سنگینی برای جامعه داشته‌اند، فراتر از تئوری‌های رایج در مدیریت بحران بوده و می‌تواند الگویی برای جوامع اسلامی باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن سعد، محمد. ۱۳۶۵ش، طبقات، چاپ اول، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نو.
- اردستانی، احمد. ۱۳۶۰ش، اسلام و منافقین، چاپ اول، تهران: انتشارات اوج.
- اسدپور، غلامرضا. ۱۳۹۰ش، مقدمه‌ای بر اصول و مبانی مدیریت بحران، چاپ اول، تهران: روناس.
- پیروز، علی آقا و همکاران. ۱۳۸۹ش، مدیریت در اسلام، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جرجانی. ۱۳۰۶ق، التعریفات، مصر: بی نا.
- جعفری، یعقوب. ۱۳۸۶ش، تاریخ اسلام از منظر قرآن، چاپ سوم، قم: نشر معارف.
- جعفریان، رسول. تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ سیاسی اسلام، جلد ۱، چاپ چهارم، قم: انتشارات دلیل ما.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسرا.
- دولین، ادوارد اس. ۱۳۸۹ش، طرح ریزی و اجرای مدیریت بحران، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین.
- رازی، ابوالفتوح. ۱۳۹۸ق، رَوْحُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: چاپ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۸۷ش، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه حسین خداپرست، قم: نوید اسلام.
- رشید رضا، محمد. ۱۴۱۴ق، تفسیر القرآن الکریم الشہیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفه.
- طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۶۶ش، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی و محمدرضا صالحی کرمانی و سید محمد خامنه و محمدجوادحجتی کرمانی و محمد علی کرامی، چاپ سوم، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۴۰۲ق، تفسیر المیزان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۲ش، جوامع الجامع فی تفسیر القرآن الکریم، الطبعة الثالثة، تهران: چاپ بهرام.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۸۰ش، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عاطف الزین، سمیح. ۱۳۷۹ش، محمد در مدینه، ترجمه مسعود انصاری، چاپ اول، تهران: نشر جامی.
- علمداری، شهرام. ۱۳۸۹ش، الگوها و دیدگاه‌ها در مدیریت بحران، چاپ اول، تهران: بوستان حمید.

ماهرالنقش، علی. ۱۳۹۲ش، شبیه سازی بحران، چاپ اول، اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان.

محمدی سیرت، حسین. ۱۳۹۱ش، اصول مدیریت بحران در قرآن، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.

محمودزاده، امیر و همکاران. ۱۳۹۰ش، آشنایی با مفاهیم مدیریت بحران، چاپ هفتم، اصفهان: انتشارات علم آفرین.

منتظر القائم، اصغر. ۱۳۸۴ش، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، چاپ اول، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

ناصر، جهانشاه. ۱۳۵۹ش، ویژگی‌های منافقان و مؤمنین از دیدگاه قرآن، چاپ اول، تهران: بعثت.

الوانی، سید مهدی. ۱۳۹۰ش، مدیریت عمومی، چاپ چهل و سوم، تهران: نشر نی.

وردی نژاد، فریدون و شهلا بهرامی. ۱۳۸۸ش، مدیریت بحران و رسانه، چاپ اول، تهران: سمت.

مقالات

اسدی، ایران. ۱۳۹۴ش، «مبانی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۳، صص ۱۱۸-۱۱۰.

خادمیان، عباس. بی تا، «استراتژی پیامبر اکرم در برخورد با انحراف‌ها»، ویژه نامه شماره ۱ پیامبر اعظم، مجله اندیشه تقریب، صص ۱۴۸-۱۳۱.

دانش، محمد قدیر. ۱۳۸۷ش، «رسول خدا و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق»، معرفت، ش ۱۲۹، صص ۲۴-۱۱.

رحمانی زاده دهکردی، حمیدرضا و فریبا جباری. ۱۳۹۲ش، «سبک مدیریتی پیامبر اکرم در جامعه اسلامی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۸۶، صص ۶۰-۳۸.

رزقی شیرسوار، هادی. ۱۳۸۹ش، «مدیریت بحران در دانشگاه‌ها»، پژوهشنامه تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۵۱، صص ۱۳۹-۱۵۸.

زمانی محبوب، حبیب. ۱۳۹۰ش، «مدیریت پیامبر اعظم در برابر فتنه‌های منافقین»، فصلنامه حصون، ش ۳۰، صص ۱۶-۶.

ضمیری، عبدالحسین و رضا نصیری حامد. ۱۳۸۹ش، «بحران بین‌المللی، ابعاد و مؤلفه‌ها»، پژوهشنامه تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۵۱، صص ۹۵-۱۳۸.

علیانسب، سیدحسین. ۱۳۹۴ش، «شیوه پیامبر اکرم در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، ش ۱۶، صص ۷۸-۵۵.

- کوهستانی‌نژاد، تورج و محمدعلی صفا و روح الله افضلی. ۱۳۹۵ش، «مبانی قرآنی حکومت و بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۵، صص ۱۶۷-۱۵۱.
- معمارزاده، غلامرضا و سرفرازی، مهرزاد. ۱۳۸۹ش، «بررسی گام‌های مدیریت بحران»، پژوهشنامه تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۵۱، صص ۷۹-۷۶.
- مهدوی دامغانی، محمود. ۱۳۸۸ش، «پیامبر اسلام و جریان نفاق»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱، صص ۱۵۱-۱۳۴.
- ناصحی فر، وحید. ۱۳۸۰ش، «مفاهیم و نکاتی پیرامون بحران»، توسعه مدیریت، ش ۳۴، صص ۳۷-۳۴.
- هادوی نژاد، مصطفی و حسن دانائی فرد و عادل آذر و احمد علی خائف الهی. ۱۳۹۲ش، «رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی سازمان»، چشم انداز مدیریت دولتی، ش ۱۳، صص ۱۵-۴۰.

Bibliography

Holy Quran

Nahjol Balaqah

Ibn Sa'd, Muhammad 1986, Tabaqat, first edition, translated by Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran: New Publishing.

Ardestani, Ahmad 1981, Islam and the Dissension, First Edition, Tehran: Ouj Publications.

Asadpour, Gholamreza 2011, Introduction to the Principles and Foundations of Crisis Management, First Edition, Tehran: Ronas.

Pirooz, Ali Agha et al. 2010, Management in Islam, seventh edition, Qom: Research Institute and University.

Jafari, Yaqub 2007, History of Islam from the perspective of the Quran, third edition, Qom: Maaref Publishing.

Jafarian, Rasool Political History of Islam, Political History of Islam, Volume 1, Fourth Edition, Qom: Dalil Ma Publications.

Javadi Amoli, Abdullah 1388, Tasnim, Interpretation of the Holy Quran, first edition, Qom: Esra Publishing Center.

Dowlin, Edward S. 2010, Planning and Implementing Crisis Management, Translators Group, First Edition, Tehran: Imam Hossein University.

Razi, Abolfotuh 1398 AH, Ruh al-Jannan and Ruh al-Jannan, edited by Abolhassan Sha'rani, Tehran: Islamic Press.

Ragheb Isfahani, Hossein. 1387, Quranic words, translated by Hossein Khodaparast, Qom: Navid Islam.

Rashid Reza, Mohammad 1414 AH, Tafsir Al-Quran Al-Karim Al-Shahir with Tafsir Al-Manar, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.

Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1987, Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani and Mohammad Reza Salehi Kermani and Seyyed

- Mohammad Khameneh and Mohammad Javad Hojjati Kermani and Mohammad Ali Karami, third edition, Tehran: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1402 AH, Tafsir Al-Mizan, Beirut: Scientific Foundation for Publications.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1983, Comprehensive Societies in the Interpretation of the Holy Quran, Third Edition, Tehran: Bahram Press.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 2001, translated by Tafsir Majma 'al-Bayan, translated by Ali Karami, first edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Atef Al-Zain, Samih. 2000, Mohammad in Medina, translated by Massoud Ansari, first edition, Tehran: Jami Publishing.
- Alamdari, Shahram 2010, Patterns and Perspectives in Crisis Management, First Edition, Tehran: Bustan Hamid.
- Maher al-Naghsh, Ali. 2013, Crisis Simulation, First Edition, Isfahan: University Jihad, Isfahan Industrial Branch.
- Mohammadi Sirat, Hussein 2012, Principles of Crisis Management in the Quran, First Edition, Tehran: Imam Sadegh University.
- Mahmoudzadeh, Amir et al. 2011, Introduction to the concepts of crisis management, seventh edition, Isfahan: Alam-e-Afarin Publications.
- Montazer Al-Qaim, Asghar. 2005, History of Islam up to the year 40 AH, first edition, Isfahan: University of Isfahan.
- Nasser, Jahanshah. 1980, Characteristics of dissension and believers from the perspective of the Qur'an, first edition, Tehran: Be'sat.
- Alwani, Seyed Mehdi 1390, General Management, 43rd edition, Tehran: Ney Publishing.
- Verdinejad, Fereydoun and Shahla Bahrami. 2009, Crisis Management and Media, First Edition, Tehran: Samt.

Articles

- Asadi, Iran. 1394, "Fundamentals of the foreign policy of the Islamic government from the perspective of the Qur'an", Quarterly Journal of Qur'anic Studies, vol. 23, pp. 118-110.
- Khademian, Abbas, "The Strategy of the Holy Prophet in Dealing with Deviations", Special Issue No. 1 of the Great Prophet, Journal of Approximation Thought, pp. 148-131.
- Danesh, Mohammad Qadir 2008, "The Messenger of God and his strategy against the line of dissension", Knowledge, vol. 129, pp. 24-11.
- Rahmanizadeh Dehkordi, Hamidreza and Fariba Jabbari. 1392, "Management style of the Holy Prophet in the Islamic society", collection of articles of Allameh Tabatabaei University, vol. 286, pp. 60-38.
- Razzaq Shirsavar, Hadi. 2010, "Crisis Management in Universities", Journal of Strategic Research of the Expediency Council, Vol. 51, 139-158.
- Once upon a time, Habib. 1390, "Management of the Great Prophet against the seditions of the dissension", Hassoun Quarterly, vol. 30, pp. 16-6.
- Zamiri, Abdul Hussein and Reza Nasiri Hamed. 2010, "International Crisis, Dimensions and Components", Journal of Strategic Research of the Expediency Council, Vol. 51, pp. 95-138.
- Aliansab, Seyed Hossein 1394, "The method of the Holy Prophet in the psychological management of Islamic society", Islamic Studies and Psychology, Vol. 16, pp. 78-55.
- Kouhestani, Nejad, Touraj and Mohammad Ali Safa and Ruhollah Afzali. 2016, "Quranic Principles of Government and the Study of Imam Khomeini's Views", Quarterly Journal of Quranic Studies, Vol. 25, pp. 167-151.

- Memarzadeh, Gholamreza and Sarfarazi, Mehrzad. 2010, "Review of Crisis Management Steps", Journal of Strategic Research, Expediency Council, Vol. 51, 79-76.
- Mahdavi Damghani, Mahmoud. 1388, "Prophet of Islam and the current of dissension", Quarterly Journal of Islamic History Studies, Vol. 1, pp. 151-134.
- Nasehifar, Vahid. 2001, "Concepts and points about the crisis", Management Development, Vol. 34, pp. 37-34.
- Hadavi Nejad, Mostafa and Hassan Danaeifard and Adel Azar and Ahmad Ali Khaif Elahi. 1392, "Hypocritical Behaviors in the Interpersonal Communication of the Organization", Perspective of Public Management, Vol. 13, pp. 15-40.

Crisis Management of the Dissension Process by Holy Prophet from Holy Quran's Viewpoint

Ahmad Reza Tavousi: PhD Candidate, Faculty of Quran & Hadith, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan)

Amir Ahmadnezhad: Assistant Professor, Faculty of Quran & Hadith, Isfahan University

Abstract

Crisis management is of particular importance as an interdisciplinary topic in various areas of political and social management. Therefore, the approach of the Holy Quran to this issue is remarkable. The study of Medina verses shows that the Holy Prophet faced various crises during the rule of Medina. One of the most complex of these crises is the destructive actions of the current of dissension against the Prophet. Given the special place of the Prophet in receiving revelation, his reactions to the hypocrites can be used as a reliable model for managing the crisis in the Islamic world and human society. The management of the Prophet in crises caused by dissension can be evaluated in three general stages, including pre-crisis, during-crisis and post-crisis management. This research intends to study the subject literature and with a descriptive-analytical approach, the most important parts of this management, which include expressing the methods and actions of the dissension and the appropriate reactions of the Qur'an along with announcing the policies and measures of the Prophet Check. The six strategies obtained in the present study are among the achievements of this paper.

Keywords: governance, expediency, Madani Verses, Prophet's Management, dissenter.